

بررسی وام‌واژگان غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه «مطالعه موردی اشعار ملک‌الشعرای بهار»

علی قائم پناه تاج‌آبادی^۱

دکتر مریم غلامرضایی^{۲*}

دکتر مجید حاجی زاده عسکری^۳

چکیده

دوران مشروطه یکی از دوران‌های تاریخی پر نشیب و فراز ایران است که در آن، نتایج پیشرفت صنعتی غرب به کشورهای جهان سوم و ایران رسید. تعدادی از تحصیل‌کردگان برای ادامه تحصیل به غرب رفتند و با ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه غرب آشنا شدند و هنگام برگشت به‌عنوان مقلدان فرهنگ و تمدن غرب، دیگر طبقات را تحت تأثیر خود قرار دادند. در این بین، نقش شاعران هم در این امر، بی‌تأثیر نبوده است. بنابر این، پژوهش حاضر و بررسی سروده‌های شاعران این دوره، سبب آشنایی بیشتر با اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن دوران خواهد شد. در این پژوهش تلاش شده است تا به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به «بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه با تکیه بر دیوان اشعار ملک‌الشعرای بهار پرداخته شود. یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که بهار به علت آشنایی با متون گذشته زبان فارسی، برای بیان مضامین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از تصویرسازی و مضمون‌پردازی بهره برده است. در بخش مضمون‌سازی، بهار بیش از دیگر شاعران هم‌عصرش از وام‌واژه‌های غربی بهره برده است و در بخش تصویرسازی، آرایه کنایه، بیشترین کاربرد داشته است و به مدد شگردهای بیانی با واژگان غربی، تصویر ساخته است. اهمیت کاربرد وام‌واژگان در دیوان بهار در این است که بیانگر فضای روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران با کشورهای فرانسه، انگلیس و روس است. بسامد بالای وام‌واژگان فرانسوی، بیانگر مسائل سیاسی و اجتماعی و کاربرد واژگان روسی، بیشتر به سبب روابط اقتصادی و صنعتی بوده است.

واژگان کلیدی: ملک‌الشعرای بهار، تصویرسازی، مضمون‌آفرینی، واژگان فرانسوی، واژگان روسی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Email: tajabadii@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: beigi@iauk.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

Email: M.hajizadeh@iauk.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

مقدمه

تحولات عمده و زیر بنایی آثار ادبی پارسی در عصر مشروطه، تحت تأثیر عواملی چند از جمله رواج صنعت چاپ در ایران، گسترش روزنامه‌نویسی، آشنایی ایرانیان با ادبیات اروپایی، نهضت ترجمه و نشر آثار اروپایی، اعزام دانشجو به اروپا و غیره صورت گرفته است. به دنبال تغییر در شئون اجتماعی جامعه، تحولاتی در عرصه نثر و شعر اتفاق افتاد. مضمون‌آفرینی‌ها و تصویرگرایی شکل دیگری به خود گرفت و به خاطر آشنایی بیشتر با آثار اروپائیان، واژگان و اصطلاحات غربی به تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه راه پیدا کرد. میل به کاربرد عناصر زبان گفتار و بهره‌مندی از قابلیت‌های بالقوه این زبان در شعر، لزوم بررسی این‌گونه زبانی در شعر این دوره را بیش از پیش نمایان ساخت و واژگان جدید به زبان معاصر وارد شد که کاربرد واژگان غربی نیز از همین مقوله به حساب می‌آید. یکی از راه‌های مضمون‌پردازی در آثار ادبی، استفاده از تصاویر شعری است، به نحوی که شاعر با استفاده از آن می‌تواند مضامین برجسته‌ای را در ذهن مخاطب خود ترسیم نماید. عنصر خیال یکی از عناصر اصلی است که باید هر شعری آن را دارا باشد، به نحوی که حتی در شعر سپید هم مورد تأکید قرار گرفته است.

تصاویر شعری بسته به عمق خیال و عاطفه شاعران، متفاوت‌اند و شاعر هر چه قدر در سروده خود از خیال، عاطفه و اغراق‌های شاعرانه بیشتری استفاده کند، بدون تردید تصاویر شعری‌اش جذاب‌تر و در نتیجه، بر خواننده تأثیر عمیق‌تر و شگرف‌تر خواهد گذاشت. شاعران زبان فارسی از آغاز شعر فارسی تاکنون، اشعار خود را متناسب با اوضاع جامعه عصر خود با مضامین سیاسی، اجتماعی، توصیفی، انتقادی و مدحی بیان می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که این مضامین با روح شعری که شاعر بر آن حاکم بود، هماهنگ‌تر و متناسب‌تر بود به همان اندازه جایگاه ارزشمندتری در حوزه نقد ادبی به دست می‌آورد. ملک‌الشعراى بهار از چهره‌های شعری دوره مشروطه است که عمر شاعری‌اش با حوادث و رخدادهای آن دوره، پیوند خورده است. او فرزند زمان خود بود که نیازهای اجتماعی عصر بیداری را به‌گونه‌ای شایسته، درک کرد با روشن‌بینی در اشعار خود منعکس نمود و از خواسته‌های طیف مختلف جامعه با زبانی ساده و مؤثر، سخن گفت.

پیشینه تحقیق

در رابطه با شعر بهار، پژوهش‌های بسیاری به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت گرفته است؛ از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- علی‌اکبر کمالی نهاد و حرمت مصلح رشت آبادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر واژه و تصویر و نقش آنها در ساخت فضای شعر در غزلیات ملک‌الشعرا بهار» به این نکته اشاره کرده‌اند که بهار برای همگام بودن با شرایط سیاسی و اجتماعی، ایجاد انگیزه در هم‌وطنان خود جهت تغییر و اصلاح جامعه، زیباشناسی متن و تأثیر افزایشی در مخاطب، کارکردهای گوناگون واژه مثل تلفیق ژانرهای مختلف و به کارگیری واژه‌ها در حوزه‌های مختلف غنایی، حماسی، دینی، ایجاد تقابل و تضاد، تناسب‌های معنایی، موسیقی تکرار واج‌ها و کلمات، کاربرد ترکیب‌های نو، بهره‌گیری از واژگان کهن فارسی و عربی و کاربرد اصطلاحات عامیانه و زبان گفتار را مورد توجه قرار داده و با آرایه‌هایی چون: تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، کنایه، مجاز، مراعات‌النظیر، واج‌آرایی، تکرار، جناس، تضاد، تناقض و... توانسته است، فضاهایی منسجم و متنوع را با سبک ساده خود به اقتضای موضوع در شعر خویش بگستراند و در نهایت این فضاسازی، موجب تجسم عینی تجربه و افزایش نیرو در القای عاطفه و معنا در مخاطب شده است.

- کامران کله‌بستی (۱۳۹۴) در مقاله «تحولات سبکی شعر عصر مشروطه»، بدین نتیجه رسیده که تغییرات سبکی به وجود آمده در شعر مشروطه، زمینه‌های فکری و ادبی لازم، برای پیدایش نوع جدیدی از شعر را که بعدها به شعر نو موسوم گردید، فراهم آورده است.

- حسینی کازرونی (۱۳۹۱)، در مقاله «تحولات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه»، بدین نتیجه دست یافته است که شعر فارسی در این دوره از تقلید مضامین پیشینیان روی برگردانده و از حوزه مدح و ستایش مستکبران حکومت‌ها و درباریان، خارج شده و رهایی یافته است.

- غلام عباس ذاکری (۱۳۷۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «واژه‌های دخیل فرنگی در شعر مشروطه و اندیشه‌های شاعری نو»، به شرح زندگانی و اندیشه‌های نو و واژگان فرنگی در شعر شعرای مهم عصر مشروطه پرداخته است. همچنین به نحوه استفاده شاعران

از واژگان فرنگی پرداخته است و هر واژه به همراه آوانگاری و املائی صحیح آن ذکر نموده و سپس ملیت آن واژه را مشخص کرده است.

- صفا تسلیمی (۱۳۹۲) در رسالهٔ دکتری با عنوان «بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های شعر عصر مشروطه (ایرج میرزا، بهار، عارف، فرّخی و عشقی)» به این نتیجه رسیده که ایرج میرزا در قالب طنز، ضد جهل و خرافات مذهبی برخاسته، منادی تجدد و تحول بوده است. عارف در غزل، تصنیف و اشعار وطنی، ندای وطن، آزادی‌طلبی و ملت‌باوری سر داده و بهار، نام‌آورترین شاعر این دوره، در حوزهٔ زبان و اندیشه، قصیده را جولانگاه مفاهیم شعری زمانه، چون آزادی، وطن و استبداد ستیزی می‌نماید. عشقی شاعر نوگرا و منتقد بی‌پروا، به مدد تفکرات آنارشیستی، نسخهٔ خون‌بازی خود را تجویز کرده و فرخی، شاعر آزادی و عدالت، گرایش به ادبیات کارگری را شالودهٔ مبارزات سیاسی خود قرار داده است. بیشترین میزان بازتاب محتوایی مفاهیم در شعر شاعران مذکور نیز به ترتیب شامل انتقاد، وطن، ملت و آزادی است.

با توجه به آنکه تاکنون در هیچ پژوهشی به‌طور مستقل و منسجم به موضوع بررسی واژگان و اصطلاحات غربی در تصویرسازی و مضمون‌آفرینی شعر عصر مشروطه «مطالعهٔ موردی اشعار ملک‌الشعرا» پرداخته نشده است؛ لذا ضرورت انجام تحقیقی در این زمینه وجود دارد.

روش تحقیق

داده‌های علمی و تحقیقی این پژوهش از طریق فیش‌برداری به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و بر پایهٔ منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است، سپس داده‌های به‌دست‌آمده، دسته‌بندی، توصیف و نهایتاً تحلیل شده است. بر این اساس می‌توان گفت روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی به شیوهٔ تحلیل محتواست و لازم به ذکر است، تاکنون دربارهٔ این موضوع، پژوهشی صورت نگرفته و مقالهٔ حاضر، اولین پژوهشی است که در این رابطه انجام شده است.

مبانی پژوهش

تصویرسازی

عنصر خیال یکی از عناصر اصلی شعر می‌باشد که بدون تردید، در هر شعری باید باشد؛ «عنصر خیال جزء جوهره شعری و فصل مقوم شعر نیز دانسته‌اند.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۵: ۹۰) تصاویر شعری بسته به عاطفه شاعران و عمق خیال، متفاوت با یکدیگرند. «از دیدگاه شفعی کدکنی، خیال به معنی مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر با مفهومی اندک وسیع‌تر که شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص باشد، است.» (جعفری کمانگر و فیروز جایی، ۱۳۹۹: ۲۴۲)

مضمون‌آفرینی

در اصطلاح ادبیات، درون‌مایه و مضمون عبارت از «فکر اصلی و مسلط در هر اثری است، خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد. درون‌مایه هر اثر جهت ادراکی و فکری نویسنده‌اش را نشان می‌دهد. درون‌مایه با موضوع اثر تفاوت دارد. موضوع اندیشه‌ای کلی است که زیربنای داستان یا شعر قرار می‌گیرد و درون‌مایه از آن به دست می‌آید و چون درون‌مایه، عناصر داستان یا شعر را انتخاب می‌کند، از این رو آثار متنوع و بی‌شماری بر اساس مضامین واحد یا محدود خلق می‌شوند.» (داد، ۱۳۷۸: ۱۳۱) مسأله مضمون‌آفرینی، در واقع کشف و یا ایجاد یک رابطه و پیوند جدید میان امر انتزاعی با یک امر عینی می‌باشد که به‌ظاهر هیچ ارتباطی بین آنها نیست. با انقلاب مشروطه، مبانی فکری ایرانیان، تحت تأثیر غرب، دچار تغییرات اساسی شد. این تغییرات که نخست در ابعاد مختلف زندگی بروز کرد به‌سرعت بر شیوه‌های بیان ادبی و شاعرانه تأثیر گذاشت و سبب شد شاعران به‌تدریج، ضرورت بازنگری در اسلوب‌های شعری کهن را بپذیرند و به شیوه‌های تازه‌ای در بیان شاعرانه روی آورند.

بحث و بررسی

تصویرسازی و مضمون‌آفرینی وام‌واژگان غربی در اشعار ملک الشعرا

در این پژوهش، منظور از واژه‌ها و اصطلاحات جدید، واژه‌هایی است که در اواخر دوره قاجار بر اثر شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی در زبان فارسی به وجود آمدند. این کلمات، ریشه فارسی یا عربی دارند و جزو واژگان دخیل به حساب نمی‌آیند و بخش کثیری از آنها، شامل اصطلاحات سیاسی و اداری است که بیشتر با انقلاب مشروطه مرتبط است. این نوع کلمات سیاسی در میان ادبای عصر مشروطه، حداقل سنت‌گرایانی چون ادیب نیشابوری رواج داشت و به گفته یحیی آرین پور «گاهی در کاربرد بعضی از آنها نیز افراط و کار به ابتذال و سخافت کشیده می‌شد.» (آرین پور، ۱۳۸۷: ۱۲۲) البته بسامد این گونه واژه‌ها و تعبیرات سیاسی در شعر ایرج از دیگر شاعران هم‌دوره او کمتر است. این لغات ابتدا در متون نثر راه یافت و سپس در شعر به کار رفت و همین امر، مقدمه دگرگونی زبان شعر گردید.

ملک‌الشعراى بهار به علت آشنایی با متون گذشته زبان فارسی، نسبت به دیگر شاعران هم‌عصرش، برای بیان مضامین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از تصویرسازی و مضمون‌پردازی بیشتر بهره برده است. در بخش مضمون‌سازی ملک‌الشعراى بهار بیش از دیگر شاعران از وام‌واژه‌های غربی بهره برده است. در بخش تصویرسازی نیز کنایه در مقایسه با سایر فنون بیانی بیشتر در شعر بهار کاربرد داشته است و در مجموع ملک‌الشعراى بهار بیش از سایر شاعران به مدد شگردهای بیانی با واژگان غربی تصویر ساخته است. نکته مهم در خصوص کاربرد وام‌واژگان در دیوان بهار آن است که اهمیت این وام‌واژگان در این است که بیانگر فضای روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران با کشورهای فرانسه، انگلیس و روس است. بسامد بالای وام‌واژگان فرانسوی، بیانگر مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است و کاربرد واژگان روسی، بیشتر به سبب روابط اقتصادی و صنعتی است. در ادامه کلمات جدید به کار رفته در اشعار ملک‌الشعراى بهار در ذیل همین دسته‌بندی‌ها معرفی می‌شود:

اصطلاحات نظامی

- آجودان (ājudān)

آجودان واژه فرانسوی به معنی صاحب‌منصبی معلوم در نظام. (دهخدا: ذیل آجودان)

پور سردار آجودانی باشی گفت باید که پیش من باشی

(بهار، ۲: ۱۳۹۱/۱۲۹)

شعر در توضیح اولین سفر شاعر به تهران است. موقعی که دزدان راه، اموالش را دزدیده بودند و از نظر مالی در مضیقه بود، یکی از دوستان پیشنهاد سفر به لرستان را به شاعر داد. در این بیت، واژه «باشی» در مصراع اول به معنی رئیس و واژه ترکی است. در مصراع دوم باشی، واژه فارسی به معنی بودن می‌باشد. باشی و باشی، جناس تام است.

- بریگاد (berigād)

بریگاد، واژه انگلیسی به معنی چندین واحد نظامی از یک صنف که تحت فرماندهی یک سرتیپ (ژنرال) باشند. (دهخدا: ذیل بریگاد)

بریگاد قزاق خونخوار کرده به سرباز سیلاخوری هم‌عنانی

(بهار: ۲/۲۴)

بهار سربازان اجنبی و قزاقان روسی را از نظر قدرت نظامی به سربازان داخلی مقایسه کرده و در یک سطح قرار داده است. شاعر با آوردن صفت خونخوار برای قزاق، خشم و خشونت آنها را نشان داده است. خونخوار بودن بریگاد، کنایه از ظالم و ستمگر بودن می‌باشد.

- تانک (tank)

تانک، واژه انگلیسی به معنی ارابه بزرگ جنگی است که انگلیسی‌ها در اثنای جنگ بین‌المللی اول اختراع کردند که در هر زمین ناهمواری می‌تواند عبور کند. (دهخدا: ذیل تانک)

رونده تانک همچو کوه آتشین هزار گوش کر کند صدای او

(بهار: ۱/۷۹۷)

بهار در قصیدهٔ جغد جنگ، به توصیف ابزار و آلات جنگی پرداخته و تانک را همچون کوه آتشین به تصویر کشیده که صدایش گوش انسان‌ها را کر می‌سازد. رونده بودن تانک، کنایه از حرکت کردن تانک است و همچنین در این بیت، تانک به کوه آتشین تشبیه شده است. وجه شبه آتش‌زا و سوزنده بودن می‌باشد. در مصراع دوم، کر شدن گوش انسان به خاطر صدای تانک، اغراق است.

- قزاق (qazzāq)

قزاق، واژهٔ فرانسوی به معنی فردی از قوم قزاق، سرباز سواره‌نظام روسی در عهد تزارها و اواخر قاجاریه و همچنین سرباز ایرانی در اواخر قاجاریه که تحت تعلیمات صاحب‌منصبان روسی تربیت شده به لباس روسی ملبس بودند. (دهخدا: ذیل قزاق)

گو مگر که نیزه گذاران غزنوی با نیزه روی بر در کالنجر آورند
یا خیلی از عشیرهٔ قزاق نیم شب مستانه حمله بر بنه قیصر آورند

(بهار: ۱/ ۲۳۲)

در ابیات فوق شاعر مأموران حکومتی را به سربازان غزنوی و عشیرهٔ قزاق همانند کرده است.

یک جماعت را قزاق فشرده است گلو یک جماعت را سرباز شکسته است کمر
از وهابی شد اگر کاخ حسینی ویران شد ز قزاق عدو کاخ رضا ویران

(همان: ۱/ ۲۳۱)

ابیات فوق در واقعهٔ بمباران آستانهٔ حضرت رضا (ع) سروده شده است. در بیت اول شاعر جنایت سربازان روس را به تصویر کشیده و در بیت دوم در تشبیه ضمنی و مضمیر سربازان روس را به وهابی همانند کرده است.

تازه گشت از فرقهٔ قزاق در دوران ما آنچه از خیل غزان در دورهٔ سنجرگذشت

(همان: ۲/ ۲۳۰)

شاعر در این بیت، قزاق را به سربازان مغول و غزان همانند کرده و فتنهٔ آنها را کمتر از فتنهٔ غزان ندانسته است.

این چه صلحی است که در داخله کشور دل خیل قزاق اشارات تو مأوا دارند

(همان: ۳۸۳/۲)

بهار در این غزل، دل عاشق را به کشور تشبیه کرده که غمزه‌های معشوق همانند گروه سربازان در آنجا خوش کرده‌اند.

موارد بیشتر: آژان، اولتیماتوم، بمب، بمب‌افکن، پلتیک، پلیس، پوتین، تانک، دمکرات، دمکراسی، دیکتاتور، راپورت، فاشیست، قزاق، منشویک و نازی است.

اصطلاحات اجتماعی و سیاسی

-پلتیک: «(فر)»(Politique) سیاست، حقه‌بازی، نیرنگ. «(قریب: ۱۳۷۷: ۲۱۸)؛ «سیاست و اصل آن، پلتیک است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۵۸)

«پلتیک» نیز از آن دسته وام‌واژگان فرانسوی است که هم در زبان نوشتاری و هم زبان کوچه و بازاری، دارای بار منفی‌ای همچون نیرنگ و حقه‌بازی است.

گرگان آدمی رخ و آدم‌خوار دیوان آهنین‌دل و آهن‌خا
آن خون این مکد ز ره پلتیک این جان آن کند به ره یاسا

(بهار: ۳۱۹ / ۱)

بهار در شعر فوق درباره رفتار زشت و ناجوانمردانه مردم با یکدیگر انتقاد کرده و می‌گوید انسان‌های گرگ نما به جان هم افتاده‌اند و درصدد اذیت و آزار یکدیگر هستند. واژه‌های پلتیک و یاسا با هم تناسب دارد.

ور به منجوری پلتیک تو بد رهبر روس نشد از ژاپون جیش کرپاتکین کمری

(همان: ۲۱۴/۲)

بهار در قصیده‌ای در انتقاد به وزیر خارجه انگلستان، پیام فرستاده و از عملکرد او انتقاد نموده است و می‌گوید اگر عملکرد تو در منجوری باعث موفقیت تو شد، در دیگر جاها باعث شکست تو گردیده است. رهبر روس پلتیک توست. تشبیه بلیغ اسنادی است.

گاه لطف است و خوشی گاه عتاب است و خطاب تا چه از این همه پلتیک تقاضا دارند
عاشقان را ســـــر آزادی و استقلال است کی ز پلتیک سر زلف تو پروا دارند

(همان: ۲/۲۶۷)

بهار در این غزل سیاسی، در وصف معشوقان روسی می‌گوید که این زیبا رویان رفتارشان ثابت و یکسان نیست و در حالی که عاشقان به دنبال آزادی و استقلال هستند و از غمزه و مکر زیبارویان پروایی ندارند. پروا داشتن از پلتیک، کنایه از مکر و حيله به کار بردن می‌باشد.

اهل تدلیس فراری شده ز اهل پلتیک همچنان کز سپه آلمان اردوی فرنگ

(همان: ۲/۳۸۷)

شاعر اهل پلتیک را در برابر اهل تدلیس قرار داده و می‌گوید اهل تدلیس از اهل پلتیک به خاطر مکر و نیرنگشان فراری هستند. بیت دارای تشبیه مرکب است، فرار کردن اهل تدلیس از اهل پلتیک همانند فرار کردن سپاه فرنگ از سپاه آلمان است. اهل تدلیس با اهل پلتیک، تضاد دارد.

- کابینه (kābine)

واژه فرانسوی به معنی اطاق، دفتر هیات وزیران، مجموع وزرا و دولت. (دهخدا: ذیل کابینه)

این صاحب کابینه و آن والی تبریز صدری که چنین است، چنان است حواشی

(بهار: ۱/۷۲۹)

بهار این بیت را در حادثه قتل شیخ محمد خیابانی سروده و از جمله کسانی بود که طرفدار جنبش خیابانی بود. مراد از صاحب کابینه و والی تبریز، مرحوم حسن پیرنیا یا همان مشیرالدوله است. بهار با زبان طنز می‌گوید وقتی حاکم تبریز فردی همچون مشیرالدوله باشد، حال و روز تبریز بهتر از این نمی‌شود. صاحب کابینه، کنایه از رئیس کابینه است.

تنها برای خدمت و غمخواری تو بود گر رغبتی به شرکت کابینه داشتم

(همان: ۲/۴۷۴)

بهار در قصیده «گله از قوام‌السلطنه»، علت حضور خود در کابینه قوام را به خاطر لطف و محبتی که به او داشت، بیان کرده است. واژه‌های کابینه و شرکت کردن با هم تناسب دارد.

لشگر روس برون رفت ز خاک تبریز نفت و بنزین سبب سرعت این باخره شد
غلط دیگر زد کابینه و شد توده برون صدراعظم را میدان عمل یکسره شد

(همان: ۵۹۶/۲)

بهار در شعر فوق، تغییر و تحولات در سطح جامعه را به تصویر کشیده است و خروج روس‌ها از شهر تبریز را به خاطر پیشرفت در صنعت و تکنولوژی می‌داند و هنگامی که حزب توده، شکست خورد مجلس و کابینه اظهار شادی کردند. شاعر خوشحالی کابینه را در غلط زدن آن نشان داده است. غلط دیگر زدن کابینه، کنایه از اشتباه کردن کابینه می‌باشد. کابینه، در ابیات فوق، مجاز به علاقه‌حال و محل، مراد اعضای کابینه است.

موارد بیشتر: ایدئال، بایکوت، بلشویک، درینگ واتر، دوک، دیپلماسی، سر، د فامیل، کمیته ساز، کمیسون، کنت، کتس، کنسولخانه، لاتار، لرد، مادام و پلتیک است.

– بلشویک (belše(o)vik)

بلشویک واژه فرانسوی است. در روسی به معنای «اکثریت» است، مکتبی است سیاسی طرفدار حکومت پرولتاریا. مرکز این مکتب اتحاد جماهیر شوروی است. (دهخدا: ذیل بلشویک)

چون درفتاد غلغله ز آشوب بلشویک اندر ولایت طبرستان و دیلمان
تهدید کرد عاصمه ملک را عدو چون سیل خانه کوب که خیزد ز هرکران
تو با قلیل مایه سپه، تاختی به رشت کرده سپر به پیش اجانب تن و روان

(بهار: ۳۲۰/۲)

بهار در قصیده سعادت با اشاره به پادشاهی خوب رضاشاه پهلوی می‌گوید از زمانی که فتنه بلشویک‌ها در روسیه رواج یافت، هیچ کس به جز تو، توان مقابله با آنها نداشت. در ابیات فوق واژه‌های بلشویک، آشوب، غلغله، ولایت، طبرستان و دیلمان با هم تناسب دارد.

نام مردم نهاد بلشویک این زمان دشمن مفتری

(همان: ۴۵۵/۲)

شاعر با اشاره به حوادث و اتفاقاتی که در دوران پادشاهان گذشته در ایران رخ داده و به هر عنوانی مردم بیچاره نابود و هلاک می‌شدند، می‌گوید در زمان رضاخان هم با عنوان بلشویکی مردم در عذاب هستند. در این بیت، واژه‌های بلشویک، دشمن و مفتری با هم تناسب دارد.

بلشویک است و یار لنین خصم سرمایه و قلدری

(همان: ۴/۵۵۵)

بهار در وصف بلشویک‌ها می‌گوید، آنها یار لنین رئیس‌جمهور روسیه و دشمن نظام سرمایه‌داری هستند. بلشویک، لنین و خصم با هم تناسب دارد.

تا جدا باشد به مسلک بلشویک از منشویک نخل تا دو تا باشد به مذهب شافعی از حنبلی کشت
احباب تو را کامل شود بارآوری اعداء تو را حاصل شود بی‌حاصلی

(همان: ۲/۲۶۵)

بهار در قصیده‌ی غائله‌گیلان به مدح پادشاه پرداخته و در شریطه‌قصیده می‌گوید تا زمانی که بلشویک‌ها از منشویک‌ها جدا هستند و تا موقعی که مذهب شافعی از حنبلی جداست، خدا کند که دوستان تو همیشه شاد و پیروز و دشمنان تو شکست‌خورده باشند. در بیت فوق، بلشویک و منشویک، جناس ناقص اختلافی است.

کرده‌ام شیخ و شاب را تحریک شده اجرای نقشه‌ام نزدیک
که گروهی به هم شریک شویم همه در سلک بلشویک شویم

(همان: ۲/۵۵)

شاعر در بیان آشوب و فتنه‌ی روزگار خود و وجود فقر و بیکاری در جامعه می‌گوید برای نجات خود از این گرفتاری، شیخ و شاب را علیه حکومت تحریک کرده‌ام و نقشه کشیده‌ایم تا گروهی را علیه پادشاه تحریک کنیم و به گروه بلشویک‌ها بپیوندیم تا شاید نجات پیدا کنیم. واژه‌های بلشویک، شریک و سلک با هم تناسب دارد.

من وطن خواهم و فدائی شاه دشمن بلشویک نامه سیاه

(همان: ۲/۵۵)

شاعر خود را طرفدار نظام و پادشاه معرفی کرده و می‌گوید من وطن‌پرست هستم، طرفدار پادشاه و دشمن سرسخت بلشویک می‌باشم. بلشویک نامه سیاه، کنایه از بلشویک خائن و ظالم است.

اصطلاحات فرهنگی و ادبی

-آس (ās)

آس، واژه فرانسوی، به معنی قسمی بازی و قمار با اوراقی مخصوص که شکل خال و شاه و بی‌بی و سرباز و لکات بر آن است. (دهخدا: ذیل آس)

گهی شطرنج و گاهی آس میزن گهی پیمانه گاهی لاس میزن

(بهار: ۱۸۶/۲)

بهار در نامه منظوم خطاب به شاهزاده، می‌گوید که شادباش و گاهی شطرنج‌بازی کن و گاه‌گاهی قماربازی کن و همچنین شراب بنوش و با زیبارویان معاشقه کن. آس زدن، کنایه از بازی کردن است.

- فکل (fokol): فکلی، واژه فرانسوی به معنی آنکه فکل دارد، کسی که به شیوه اروپائیان لباس می‌پوشد. فرنگی مآب، شیک‌پوش. (دهخدا: ذیل فکل)

چون فکل از سمت سینه فگارم خانم چون کراوات گره‌خورده به کارم خانم

(بهار: ۱/ ۲۴۱)

بهار در شعر انتقاد از اوضاع خراسان، به تضاد بین مد و غرب‌زدگی و زندگی سنتی اشاره کرده است. سینه فگار بودن فکل، تشخیص یا استعاره مکینه است. من مانند فکل سینه فگار هستم. من «مشبه»، حسی و فکل «مشبه‌به» حسی؛ تشبیه بلیغ اسنادی است. سینه فگار بودن فکل هم، تشخیص یا استعاره مکینه است.

اولاً عرض فکل‌ها، این قدر وسعت نداشت ثانیاً فکر جوانان، این قدر لاغر نبود

(همان: ۱/ ۲۰۳)

بهار در قصیده «سرگذشت شاعر» به اوضاع و احوال عصر خود و مد و غرب‌زدگی بین مردم اشاره کرده است. عرض فکل، استعارهٔ مکنیه است. شاعر فکل را جسمی تصور کرده که دارای طول و عرض است. ابیات فوق در توصیف تیپ و ظاهر غرب‌زدگی که یکی جا گذاشتن فکل و شیک‌پوشی است، اشاره دارد.

این وکالت نه به آزادی و خوش‌تعلیمی است نه به دانستن تاریخ و حقوق و شیمی است
بلکه در تنبلی و کم‌دلی و پر بیمی است یا به پوتین و کلاه و فکل تعلیمی است

(همان: ۲۰۳/۱)

شاعر در مذمت دوز و کلک انتخابات و نمایندگان مجلس، می‌گوید که نمایندهٔ مجلس و وکیل مردم شدن، در تنبلی در کم‌دلی و پر بیمی است.

حاکمانی دد و دنی یابد همه را گرم رهزنی یابد
عوض مفتیان و آخوندان لشگری بیند از فکل‌بندان

(همان: ۱۰۶/۱)

من فکل بند و کراوات دارم خانم من که مسئول توام باک ندارم خانم

(همان: ۱۶۶/۱)

بهار در بیت فوق، تضاد بین سنت و مدرنیتیه را با قرار دادن مفتیان و آخوندان در برابر فکل‌بندان نشان داده است. فکل بستن، کنایه از تجدد و غرب‌زدگی. من «مشبه»، حسی و کروات «مشبه‌به» حسی است. شاعر حال خراب و آشفتهٔ خود را به زلف پریشان همانند کرده است؛ و مشکلات و گرفتاری‌های زندگی‌اش را به کره کروات تشبیه نموده است. موارد دیگر: مد، مسیو، میلیونر، شیک و فر است.

اصطلاحات مربوط به مکان‌های مدرن

پارلمان (parlemān): پارلمان، پارلمان، واژهٔ فرانسوی، به معنی مجلس عوام، مجلس شوری، مجلس شورای ملی، انجمن بزرگان مملکت در دربار سابق فرانسه است. (دهخدا: ذیل پارلمان)

خصم تعلل کند بلکه تجاهل کند چون که تعادل کند پادشه و پارلمان

(بهار: ۴۰۵/۱)

بهار در این شعر می‌گوید: وقتی مجلس و پادشاه در برابر دشمن سهل‌انگاری بکنند، دشمن در کار خود تعلل می‌کند. تعادل کردن پادشه و پارلمان، کنایه از خویشتن‌داری کردن پادشاه و مجلس است. واژه‌های پارلمان، پادشه و خصم تناسب دارد.

ور به دوزخ روم برم همراه هر سه تن را به‌جانب نیران
گرچه بودید سالیان دراز حق و ناحق، وکیل پارلمان

(همان: ۶۰۱/۱)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان خطاب به یاران تهران می‌گوید که اگر در این دنیا موفق نشدم حق خود را از شما بگیرم، در روز آخرت اگر وارد دوزخ شدم هر سه نفر شما را با خود به دوزخ می‌کشم، هرچند که در این دنیا در مجلس به‌عنوان نماینده مردم در خوشی و شادی به سر بردید. پارلمان به دوزخ، تشبیه شده و تشبیه بلیغ اسنادی است.

وان کس که شد وکیل وز مشروطه حرف زد دوزخ بود به روز جزا پارلمان او

(همان: ۱۶۶/۱)

شاعر به گناهکار بودن مجلسی‌ها اشاره کرده و گفته هر کس از مشروطه حرف بزند و نماینده مردم در مجلس باشد، جایگاهش دوزخ است.

هتل: «(فر) (hotel)»

هتل، واژه فرانسوی به معنی مسافرخانه. مهمانخانه (دهخدا: ذیل هتل)

رفت از ایران تا زمانی والمد در هتل‌ها بیکه و تنها لمد

(بهار: ۴۶۵/۱)

بیت با زبان طنز در وصف مدیر روزنامهٔ باباشمل است که مدتی از ایران رفته بود و موقع برگشت، بهار دربارهٔ او این‌گونه با زبان طنز سرود.

اصطلاحات مربوط به وسایل غربی در زندگی روزمره

موتور: «(فر)» (moteur)

«آنچه باعث حرکت می‌شود، عامل حرکت، موتورسیکلت.» (انوری، ۱۳۸۲: ۲/۲۳۲۳)

یک روز در سفر شتر گند، رهنمون امروز در سفر موتور تند رهبر است

(بهار: ۱/ ۶۹۶)

شاعر با قرار دادن موتور در کنار شتر، تضاد ایجاد کرده و با مقایسه این دو چیز، تصویر جامعه دیروز و امروز را نشان داده است. رهبر بودن موتور، تشبیه بلیغ اسنادی است. همچنین شتر با موتور، تضاد دارد.

کوه در کوه موتور بینی و طیاره و توپ دشت در دشت سپه بینی و ترتیب نزال

(همان: ۱/ ۷۲۷)

شاعر در قصیده پیام به انگلستان، به توصیف کشور انگلستان پرداخته و می‌گوید در آنجا رشد صنعت و تکنولوژی به‌وضوح قابل مشاهده است و همچنین دارای ارتش و سپاه توانمند می‌باشند. کوه در کوه موتور دیدن، کنایه از زیاد بودن موتورها است.

دمنده کشتی «کلگای»ی زیبا به‌دریا، چون موتور بر روی هامون

(همان: ۱/ ۷۲۷)

بهار در سفر به شهر خوزستان در سال ۱۳۰۶ شمسی به وصف رود کارون پرداخته و کلگای نام کشتی‌ای بوده که بر آن سوار شده بود و شاعر حرکت کشتی بر روی رودخانه کارون را به حرکت موتور در بیابان همانند کرده است. بیت دارای تشبیه مرکب است. حرکت کشتی کلگای بر روی دریا به حرکت موتور در صحرا تشبیه شده است.

اتل / اتومبیل (otomobil)

اتل واژه فرانسوی است به معنی اتومبیل و ماشین. (دهخدا: ذیل اتومبیل)

اتل در زیر پای پولداران درشگه بی‌اثر، چون مهر یاران

(بهار: ۲/ ۱۹۸)

بهار در این بیت با آوردن دو واژه متضاد اتل و درشکه، می‌گوید، اتومبیل در زیر پای افراد ثروتمند مانند مهر و محبت مادر ارزشمند است و آن‌قدر ارج و ارزش دارد که درشکه در پیش چشم آنها دیگر هیچ ارزشی ندارد. بیت دارای تشبیه مرکب است، در نظر افراد پولداری که اتومبیل سوار می‌شوند، درشکه همانند مهر دوستان ارزش و اعتباری ندارد.

«اتل» سنگین و بار ما ز حد بیش به تنها میزبان از ده عدد بیش
میان راه پنچر گشت ره‌سوار فروماندیم یک ساعت ز رفتار

(همان: ۲۰۱/۲)

بهار در این قصیده شرح مسافرت خود از تهران تا قمصر را به تصویر کشیده است و می‌گوید بار اتومبیل سنگین بود و تعداد مسافران هم زیاد و بیش از ده نفر بود.

ز باد سام، صحرا پر علو شد «اتل» از شدت گرما جدو شد

(همان: ۲۰۱/۲)

در صحرا باد گرم و سوزان می‌وزید و ماشین از شدت گرما انگار پاهایش تاول‌زده بود و قادر به راه رفتن نبود. بیت دارای آرایه اغراق است. جدو شدن اتل، کنایه از پنچر شدن است.

اتل را راند در زیر درختی به زیر سایه آسودیم لخت

(همان: ۲۰۱/۲)

در ادامه بیت قبل، شاعر متذکر می‌شود که از بس هوا گرم بود، ماشین را در زیر سایه درختی قراردادیم و برای مدت کوتاه به استراحت پرداختیم. اتل راندن، کنایه از به حرکت درآوردن خودرو. بهار در شعر فوق، ماشین خود را به اسب تندرو تشبیه کرده است که به خاطر بار سنگین پنچر شده است.

موارد دیگر: بطری، اسکن، اسکناس، بلیط، بنز، بنزین، بیسیکلت، پاراخود، پاکت، پالتو، پنچر، تابلو، ترن، تلفن، تلفن‌چی، تلگراف، رادیو، ریل، ژاکت، سماور، سیگار، فرانک، شامپانی، شوfer، کارت، کامیون، کت، کراوات، کنیاک، لیکور، گاز، گارس، گیلان، لیره، لیموناد، ماشین، ماکارونی، میل، مرفین، موتور، موتورسیکلت و واگون است.

اصطلاحات علمی

راديوم (rādīlyom): رادیوم، واژه فرانسوی است. رادیوم، واژه فرانسوی به معنی عنصری است طبیعی و کمیاب و پرقیمت. دارای تشعشع خاص که در ۱۸۹۸ به وسیله مادام کوری و شوهرش در معادن اورانیوم کشف گردید. این عنصر جسمی است سفید و درخشانده و موجد حرارت. (معین: ذیل رادیوم)

بوسه بر عمر من افزایش لیک رادیوم نیز نکند کم ز لبت یک ارزن
 بـــــــدین قـــــوت نیست که دهد قوت و باقی است به تن

(بهار: ۱/ ۴۴۰)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان بوسه، به زبان طنز به قدرت و گیرایی بوسه اشاره کرده و گفته بوسه همانند رادیوم قدرت دارد و به ما نیرو و توان می‌دهد. در این دو بیت، بوسه به رادیوم تشبیه شده و وجه شبه قدرت و نیرو داشتن است.

مکروب / میکرب (microbe): میکرب، واژه فرانسوی به معنی هر یک از موجودات زنده یک‌سلولی و ذره‌بینی (اعم از موجودات یک‌سلولی گیاهی یا حیوانی) که غالباً بیماری‌زا می‌باشند. (دهخدا: ذیل میکرب)

منم آنکه مکروب‌ها می‌کنند ز سهمم چو موش از بر گربه رم

(بهار: ۲/ ۱۳۴)

شاعر در قصیده «وثوق و لقمان»، با اشاره به خصایل خوب و ثوق‌الدوله، در ضمن آن به تعریف از خود و سروده هایش پرداخته است. شاعر فرار کردن میکروب‌ها از وجودش را، به فرار کردن موش از جلوی چشم گربه مانند کرده است.

آنان که با جور منسوب گشتند در پیکر ملک میکروب گشتند

(همان: ۱/ ۷۴۳)

بهار افرادی را که در کشور دست به ظلم و ستم زده‌اند و ظلم می‌کنند، همانند میکروبی دانسته است که در پیکر ملت نفوذ کرده و باعث رنج و ناراحتی می‌شوند. شاعر فرار کردن میکروب‌ها از وجودش را به فرار کردن موش از جلوی چشم گربه تشبیه کرده است.

موارد دیگر: اتم، استرپ، پوت، پوند، سرم، سفلیس، شیمی، فرد، میکروب، میلیون، دکتر، دکتر، دیپلم و کلزا.

اصطلاحات موسیقی

آرشه (ārše): آرشه، واژه فرانسوی است. به معنی چوب باریکی که روی آن چند رشته موی اسب کشیده و برای نواختن سازهای زهی مانند ویولون و ویولونسل و کنترباس و... به کار می‌رود. (معین: ذیل آرشه)

ولی چو کرد به سیم آرشه کمان را جفت
چو تیر راست شد از فرط امتنان رستم
(بهار: ۴۶۵/۲)

نواخته شدن موسیقی و اثر گذاشتن بر روی مخاطب تصویر زیبایی است که شاعر ساخته است. رستم مانند تیر با شنیدن موسیقی از جای خود پا شد. بیت دارای آرایه تشبیه است. واژه‌های سیم، آرشه، کمان و جفت، از اصطلاحات موسیقی هستند و با هم تناسب دارند. آرشه کمان را جفت کردن، کنایه از آماده کردن ویولون برای نواختن.

ویولون (violon): ویولون، واژه فرانسوی است. از سازهای زهی که چهار سیم دارد و با آرشه نواخته می‌شود. (دهخدا: ذیل ویولون)

جوان برفت و بیامد به کف یکی ویولن
نمود کوک و نکرد اعتنا بدان رستم
(بهار: ۴۶۵/۱)

شاعر در این بیت نشانه‌های تجلّد و نوآوری در موسیقی را به تصویر کشیده است. واژه‌های ویولون با کوک، تناسب دارد.

اصطلاحات مربوط به حیوانات

- **بال (bāl):** بال، واژه فرانسوی است به معنی نوعی از ماهی فلوس دار بسیار بزرگ باشد و آن در دریای زنگ به هم می‌رسد و فساد بسیار می‌کند و گوشت آن خوشمزه بود. (دهخدا: ذیل بال)

مرغ بمب‌افکنشان تیزتر از مرغ هوا ناو بالن برشان بیشتر از ماهی بال

(بهار: ۷۲۷/۱)

بهار در قصیده‌نامه به انگلستان به توصیف قدرت نظامی کشور انگلستان پرداخته و با تصویرسازی‌های زیبا ادوات جنگی آنها را توصیف کرده است.

مرغ بمب‌افکن به مرغ هوا تشبیه شده است. وجه شبه تیزپروازی است.

مرغ بمب‌افکن تیزتر از مرغ هوا، یعنی سرعت بمب‌افکن از سرعت مرغ هوا بیشتر است. تشبیه

بلیغ اضافی است.

-بالن (bālon)

بالن، واژه فرانسوی است. وسیله‌ای برای پرواز، مرکب از یک کیسه بزرگ حاوی گازهای سبک‌تر از هوا و سبکی برای حمل بار و مسافر که به وسیله ریسمان‌هایی به هم متصل شده است.

(دهخدا: ذیل بالن)

مرغ بمب‌افکنشان تیزتر از مرغ هوا ناو بالن برشان بیشتر از ماهی بال

(بهار: ۷۲۷/۱)

بهار در قصیده‌نامه به انگلستان به توصیف قدرت نظامی کشور انگلستان پرداخته و با تصویرسازی‌های زیبا، ادوات جنگی آنها را توصیف کرده است. در این بیت با استفاده از صنعت

اغراق، ناو بالن بر را بزرگ‌تر از ماهی بال در نظر گرفته است.

نتیجه

با مطالعه دیوان ملک‌الشعراى بهار به وضوح می‌توان وام‌واژگان فرانسوی، روسی و انگلیسی را در اشعار او مشاهده نمود. نکته حائز اهمیت در این است که گاهی کاربرد واژگان بیگانه در یک‌زبان و در یک مقطع زمانی خاص، توجهی خاص و منطقی دارد. مثلاً ایران و روسیه به دلیل هم‌جواری با هم دو کشور همسایه محسوب می‌شوند که روابط آنها در طول تاریخ گاهی در صلح و بیشتر مواقع در جنگ بوده است؛ ولی روابط بین ایران و فرانسه به گونه‌ای دیگر بوده است. به

نحوی که بیشترین بخش عمده تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان فرانسه به خاطر روابط تجاری و فرهنگی بوده است.

با واکاوی دیوان بهار می‌توان دریافت که زبان شعری او، به طور گسترده‌تر زبان فارسی آن عصر، عرصه و میدان ورود و خروج واژه‌هایی بوده است که به‌عنوان وام‌واژه، بین ایران و دیگر کشورها، دادوستد زبانی می‌شد. نمود وام‌واژگان غربی در شعر او به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در زبان فارسی، در شعر شاعران این عصر، دارای نمود خاصی است. این‌گونه کلمات در واقع بیانگر روند گوناگون و جدیدی از ورود واژگان خارجی به زبان فارسی است و در گام نخست بیان‌کننده این موضوع است که سمت‌وسوی تمایل و تبادل لغات زبان فارسی در این عصر از حوزه جغرافیایی خود به سمت حوزه جدید گرایش پیدا کرده است؛ ولی وجود عوامل و مؤلفه‌هایی همچون صنعت، دانش، سیاست و دیگر عوامل را نباید نادیده گرفت.

با عنایت به مطالب فوق، نتایج پژوهش حاکی از آن است که در دیوان اشعار ملک‌الشعرای بهار، صد و ده وام‌واژه استفاده شده است که نود و دو، وام‌واژه فرانسوی و شش وام‌واژه روسی و دوازده وام‌واژه انگلیسی به کار رفته است. بهار در تصویرسازی‌های خود، گاهی به‌صورت اصطلاحی و گاه به‌صورت واقعی در اشعارش به کار برده است. مضامین و تصویرسازی‌های ملک‌الشعرای بهار، نسبت به دیگر شاعران هم‌عصرش، قوی‌تر و پربرتر می‌باشد و این امر حاکی از تسلط ادبی وی بر اشعار شاعران قدیم و سستی است.

با بررسی کاربرد وام‌واژگان غربی در دیوان بهار مشخص می‌شود که وام‌واژه فرانسوی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است که این امر علل و عواملی دارد؛ نفوذ و تعامل ادبیات فرانسه و ایران در آن عصر و تدریس زبان فرانسه در ایران که سبب شده بود، آثار نویسندگان و شاعران فرانسوی در ایران ترجمه و مورد استفاده قرار گیرد و آشنایی شعرا و نویسندگان با این زبان و ادبیات، سبب گردید تا بیشتر از زبان‌های روسی و انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

- آرین پور، یحیی. *از صبا تا نیما*. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۷.
- انوری، حسن. *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
- بهار، ملک الشعرا. *دیوان ملک‌الشعراى بهار*. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- داد، سیما. *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغتنامه دهخدا*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۵.
- قریب، محمد. *واژه‌نامه نوین*. تهران: مؤسسه انتشارات بنیاد، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، محمدعلی. *فرهنگ کاتوزیان*. تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۳.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. تهران: نشر سپهر، ۱۳۶۲.

مقالات و پایان نامه‌ها:

- تسلیمی، صفا. «بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های شعر عصر مشروطه (ایرج میرزا، عارف، بهار، فرخی یزدی و عشقی)». وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، استاد راهنما: فاطمه کوپا، دانشگاه پیام نور، رساله دکتری، ۱۳۹۲.
- جعفری کمانگر، فاطمه؛ فیروزجایی، ستاره. «بررسی وجوه هنری بیگانه سازی صورخیال مجموعه شعر میخانه بی خواب اثر مهدی فرجی». *فصلنامه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۲۶۴ - ۲۳۵، تابستان ۱۳۹۹.
- حسینی کازرونی، سید احمد، «تحوّلات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه». *فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۲۸ - ۱۱، خرداد ۱۳۹۱.
- ذاکری، غلام عباس. «واژه‌های دخیل‌فرنگی در شعر مشروطه و اندیشه‌های شاعری نو». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، استاد راهنما دکتر غلامرضا افراسیابی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷.
- کامران کله بستی، فاطمه. «تحوّلات سبکی شعر عصر مشروطه». *کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی در آن*. دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.

کمالی نهاد، علی‌اکبر. مصلح رشت آبادی، حرمت. «تحلیلی بر واژه و تصویر و نقش آنها در ساخت فضای شعر در غزلیات ملک‌الشعرا بهار». همایش ملی ملک‌الشعرا بهار. مشهد، ۱۳۹۶.

Investigating Western borrowings in the imagery and theme-creation of constitutional era poetry "A case study of the poems of Malek al-Shaarai Bahar"

Ali Ghaempanah Tajabadi¹, Maryam Gholamreza Beigi Ph.D^{2*},
Majid Hajizadeh Askari Ph.D³

Abstract

The constitutional era is one of the most ups and downs in the history of Iran, when the consequences of the industrial progress of the West reached the third world countries. A number of students went to the West to continue their education and got to know the social and political structure of the Western society, and when they returned, they became imitators of Western culture and civilization and influenced other classes. In the meantime, the role of poets has not been without influence in this matter. Therefore, the research and examination of the poems of the poets of this period will lead to more familiarity with the political, economic and social conditions of that era. In this research, an attempt has been made to "investigate western vocabulary and terms in the depiction and theme-creation of the poetry of the constitutional era by means of a descriptive-analytical method and with library tools, relying on the divan of poets of Malik al-Shaarai Bahar. The findings of the research show that Bahar Due to familiarity with the past texts of the Persian language, it has used imagery and thematization to express political, cultural and social themes. In the field of thematization, Bahar has used western loanwords more than other poets of his time, and in the field of illustration, he has used the array of irony more and created images with the help of expressive techniques with western words. The importance of loan words in Diwan Bahar is that it expresses the atmosphere of cultural, political, social and economic relations between Iran and France, England and Russia. The high frequency of borrowing French words expresses political and social issues and the use of Russian words is mostly due to economic and industrial relations.

Key words: Malek al-Shaara Bahar, illustration, theme creation, French vocabulary, Russian vocabulary.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kerman, Islamic Azad University, Kerman, Iran
Email: tajabadii@yahoo.com
2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Kerman, Islamic Azad University, Kerman, Iran
Email beigi@iauk.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman, Islamic Azad University, Kerman, Iran
Email: M.hajizadeh@iauk.ac.ir